



علی جنابی
بازیگر:

از نظر من، نخستین چالش و دشواری این کار، حفظ تعادل میان فضای کودکانه و دنیای واقع‌گرایانه (رئال) بود. من باید در اجرای نقش، روی مرز بازیکی میان فانتزی و واقعیت حرکت می‌کردم؛ به گونه‌ای که نمایش بیش از حد فانتزی و غیرواقعی نشود که مخاطب کودک را از واقعیت دور کرده باشد، و در عین حال خشک و جدی هم نباشد که برای او خسته‌کننده شود. در این نمایش، تفاوت دو جهان، یعنی دنیای واقعی و دنیای گول‌ها به وضوح دیده می‌شود؛ دنیای گول‌ها بیشتر اتمی‌شکنی و سورئال است، در حالی که شخصیت «سام» انسانی است که در جهان مادی با مشکلاتی واقعی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

معمولاً در آثار کودک کمتر با اجرای زنده خوانندگی روبرو هستیم. آیا آمادگی برای انجام این کار جزو مباحث بازیگری است یا یک توانایی که برخی بازیگران دارند؟

در مورد اجرای زنده، بدون شک نیاز به تمرینات فشرده و مستمر وجود داشت، چون بازیگر باید بر بیان، حرکت، ریتم و گاهی موسیقی نیز تسلط داشته باشد. من دوستی داشتم که از او بسیار آموختم. او سال‌ها از من باتجربه‌تر بود و روزی نکته‌ای گفت که همیشه در ذهنم مانده است و آن اینکه میان بازیگر و هنرپیشه تفاوتی وجود دارد. بازیگر فقط بازی می‌کند، اما هنرپیشه کسی است که چند هنر را در کنار هم دارد، آواز، رقص، آواز، ریتم و بازیگری را می‌داند. این نگاه باعث شد پیش از این به اهمیت چندبعدی بودن در تئاتر پی ببرم. به‌ویژه در تئاتر امروز، ما با کمبود بیان موسیقایی روبه‌رو هستیم؛ منظوری بیان به مثابه آواز و ساخت ملودی، ریتم و آوای‌های گوش‌نواز برای مخاطب است. امروز دیگر مخاطب تنها برای دیدن یا شنیدن به تئاتر نمی‌آید. او می‌خواهد ببیند، بشنود و گوش بدهد و نظاره کند و این‌ها با هم تفاوت دارند. ما در طول روز چیزهای زیادی را می‌بینیم و می‌شنویم، اما کمتر پیش می‌آید که واقعاً به چیزی گوش دهیم یا به نظاره بنشینیم. وقتی گوش می‌دهیم، در واقع به دنبال شنیدن چیزی هستیم که واقعاً خوب باشد؛ چیزی که بتوانیم آن را به عمق وجود و روح خودمان بسپاریم. بنابراین این نکته بسیار اهمیت دارد که بازیگر، یا به تعبیر دقیق‌تر، هنرپیشه، روی آواز و صدای خود کار کند. بدین ترتیب پتانسیل‌های هنری‌اش را نیز افزایش می‌دهد. در نتیجه، موقعیت‌های بیشتری برای حضور در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در کارهای موزیکال برایش فراهم می‌شود.

هنرپیشه کسی است که چند هنر را در کنار هم دارد

ورود شما به بازیگری بخصوص بازیگری کودک چگونه بود؟

از دوران ابتدایی و راهنمایی در گروه‌های موسیقی، سرود و تئاتر فعالیت داشتم و از همان زمان، فضای هنری برای من تجربه‌ای متفاوت و دل‌انگیز بود. اما نقطه‌ی جدی‌تر ورودم به هنر، سال ۱۳۹۶ و هم‌زمان با ورود به دانشگاه برای مقطع کارشناسی بود. در همان زمان، علاوه بر تحصیل دانشگاهی، دوره‌های بازیگری را نیز گذراندم و فعالیت خود را در حوزه تئاتر گسترش دادم. در کنار تئاتر، مهارت‌های موسیقایی‌ام را هم دنبال کردم و با ارکستر سمفونیک همکاری داشتم. تا اینکه در سال ۱۴۰۲ به‌صورت حرفه‌ای وارد عرصه تئاتر شدم. نقطه‌ی آغاز فعالیت حرفه‌ای من، اجرای نمایش «سازده کوچولو» در تالار وحدت بود. البته پیش از آن هم یکی دو تجربه‌ی کوچک‌تر داشتم، اما هیچ‌کدام در حد و اندازه‌ی یک کار حرفه‌ای نبود.

به این گروه چگونه ملحق شدید؟

آشنایی من با علیرضا ملک‌محمودی، کارگردان این نمایش، از همان پروژه‌ی «سازده کوچولو» و از طریق همکاری با آقای حاجی‌حیدری شکل گرفت. از آن زمان، رفاقت و همکاری ما ادامه یافت تا اینکه پس از گذشت حدود یک سال، علیرضا به من پیشنهاد همکاری در این پروژه‌ی جدید را داد. پیش از آن، من تنها تئاترهای کودک دیده بودم، اما تجربه‌ی مستقیمی در این حوزه نداشتم. وقتی علیرضا سناریو را برایم تعریف کرد، به دلیل مفهوم خاص و متفاوت اثر علاقه‌مند شدم. کانسپت این کار، برخلاف بسیاری از آثار تصویری یا نمایشی کودک، واجد اندیشه و هدفی بود که در کارهای مشابه کمتر دیده می‌شود، و همین باعث شد با اشتیاق وارد پروژه شوم.

با توجه به اینکه شما کاراکتری رئالیستی و انسانی را در نمایش بر عهده دارید با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟



علیرضا ملک‌محمودی
کارگردان:

کودکان باید خود را ببینند و دوست داشته باشند

استاندارد برخورد کردند. پیش از ما هم نمایش‌های کودک دیگری برای این سالن اقدام کرده بودند، اما خوشبختانه ما پذیرفته شدیم. در این مسیر، خانم زاکلین آواره نقش بسیار تأثیرگذاری داشتند.

در زمینه تهیه اثر مسرتان چگونه بود؟

تهیه‌کننده‌ی این کار آقای امیرسامان غلامی هستند و همه چیز را از خودشان تأمین کردند؛ ما هیچ حمایتی از هیچ نهاد یا ارگانی دریافت نکردیم و آقای غلامی نه فقط از نظر تأمین بودجه، بلکه برای تهیه و آماده‌سازی وسایل و اجرای کار نیز شخصاً زحمت کشیدند. همه چیز را خودشان انجام دادند و واقعاً با تمام وجود وارد پروژه شدند. در نهایت پس از صحبت ایشان با سالن، متن را برای بازیگری فرستادیم. بعد از تأیید متن، آقای درخشانی آمدند و اجرای ما را دیدند. در واقع، ما بازیگری مخصوصی برای خود آقای درخشانی را داشتیم که به‌نظم کار بسیار درستی است. ایشان اجرایی را که در سالن تحت مدیریت خودش روی صحنه می‌روند، را شخصاً می‌بینند تا در جریان روند کارها باشد. برخوردشان بسیار محترمانه بود و حمایتشان تا امروز ادامه داشته که واقعاً این برای من ارزشمند است.

تمرینات این نمایش چقدر طول کشید؟

قرار ما بر این بود که در اردیبهشت یا خردادماه اجرا برویم، اما در همان زمان سالن تصمیم گرفت یک دیپارتمان تئاتر کودک تأسیس کند. با تشکیل این دیپارتمان، کار ما نیز وارد آن بخش شد و لازم بود مجدداً گفت‌وگوها و هماهنگی‌هایی صورت گیرد. همچنین باید مشاوره‌هایی درباره روند کار دریافت می‌کردیم. با آغاز جنگ، همه چیز به تعویق افتاد و همین‌طور عقب افتاد تا در نهایت به مهرماه رسیدیم. برنامه‌ریزی اولیه این بود که تمرین‌ها دو ماه طول بکشد، اما به‌خاطر اتفاقاتی که پیش آمد، روند کار طولانی‌تر شد. هزینه‌ها نیز واقعاً بالا رفت و در مجموع حدود ۵۰ جلسه تمرین داشتیم.

آیا در روند تولید از مشاوره اساتیدتان در این حوزه نیز استفاده کردید؟

در این نمایش تلاشمان بر این بود که تا جای ممکن خودمان کار را پیش ببریم. هدف این بود که بر اساس مفهوم خود اثر، کار را با نگاه و تجربه‌ی خودمان بسازیم و ببینیم به چه نتیجه‌ای می‌رسیم. البته من خیلی نظر می‌گرفتم؛ بازیگران هم بسیار همراهی کردند و نظراتشان در روند کار تأثیر زیادی داشت. در این میان باید از مصطفی دارابی یاد کنم چرا که به عنوان کارگردان اثر واقعاً در بسیاری از مراحل، مدیران لطفش هستیم. او با دقت و صبر کنارم ایستاد و همین باعث می‌شد با خیال راحت‌تر کار کنم. البته مشاوره‌های خانم زاکلین آواره به‌عنوان رئیس دیپارتمان تئاتر کودک سالن‌ها نیز بسیار تأثیرگذار بود. ایشان کارگردان هستند و در حوزه تئاتر بزرگسال نیز فعالیت داشته‌اند. چند روز دیگر هم اجرای خودشان در همین سالن آغاز می‌شود.

سخن پایانی:

از همه‌ی کودکان و نوجوانان دعوت کنم تا تئاترهایی را ببینند که متناسب با سنشان ساخته شده‌اند. امیدوارم این تجربه‌ها برایشان الهام‌بخش باشد و تئاتر را بیشتر بشناسند و دوست بدارند. از همه همکارانم در روند تولید این نمایش از دستیار کارگردان تا آهنگساز کار و... بسیار ممنونم که در کنارم بودند تا این اثر به اجرا برسد.

تئاتر را چگونه آغاز کردید؟

یکی از دلایلی که باعث شد به سمت تئاتر کشیده شوم، بردارم امین رضا بود. پدرم مدیر سینما کانون و زمانی تنها تفریح‌مان فقط رفتن به سینما بود. اغلب می‌رفتم پشت صحنه تا ببینیم روند پخش فیلم چگونه است. اما بعد از مدتی که از این فضا فاصله گرفته بودم، نزد استاد آرش شریف‌زاده، یکی از استادان بسیار تأثیرگذار تئاتر کودک رفتم و گفتم که می‌خواهم تئاتر کار کنم، مدیر صحنه‌ی کارشان شدم و از همان‌جا شروع کردم. من در واقع من به‌صورت تجربی وارد این مسیر شدم اما در آکادمی کارنامه دوره‌ی کارگردانی را زیر نظر استاد رضا گوران گذراندم و دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی دیگری نیز شرکت کردم تا تجربه و دانشم را گسترش دهم. که شرایط برایشان فراهم شود، تا اینکه خودشان تلاش کنند.

یکی از نکاتی که در اثر شما به چشم می‌خورد، تفاوت در طراحی دکور است. دکور این نمایش متفاوت از دیگر نمایش‌های کودک است و از بازی سایه‌ها، به ویژه از آینه، که معمولاً برای ایجاد «فاصله‌گذار» به کار می‌رود، بهره برده‌اید.

یکی از دلایل این طراحی صحنه به محدودیت‌های خود سالن بازی می‌گردد. در متن اصلی، دکور سنگینی برای این نمایش در نظر گرفته شده است. به همین دلیل، من برای آنکه بتوانم مفهوم صحنه‌ها را درست منتقل کنم، از بازی سایه استفاده کردم. در مورد استفاده از آینه هم باید بگویم که شخصاً گاهی به آینه نگاه می‌کنم و باین می‌اندیشم که آینه فقط برای دیدن خودمان نیست، بلکه ماهیت خود آینه است که برایم اهمیت دارد. کودکان باید بتوانند خودشان را ببینند. باید به آن‌ها یاد بدهیم که خودشان را ببینند و دوست داشته باشند، نه این که مدام با دیگران مقایسه شوند و به‌نظم آینه بهترین ابزار برای بیان این مفهوم است؛ زمانی که کودک روبه‌روی خودش قرار می‌گیرد، به شناخت و پذیرش می‌رسد. یکی دیگر از دلایل استفاده از آینه فضا و دکور این بود که دلم می‌خواست مخاطبان آینده‌ی من، یعنی کسانی که قرار است تئاترهای بزرگسال مرا ببینند، همین بچه‌ها باشند. یعنی از همین حالا کودکانی را تربیت کنیم تا بتوانند با مفاهیم سنگین‌تر تئاترهای بزرگسال مواجه شوند.

باز خوردی که تاکنون دریافت کرده‌اید چگونه بوده است؟

این دهمین اجرای ما بود و تا امروز هیچ بازخورد منفی از مخاطبان نگرفته‌ام. البته طبیعی است که هر تئاتری ایراداتی دارد و خودمان نیز به آن واقف و در حال برطرف کردنشان هستیم. از طرفی با اینکه نمایش ما اولین نمایش کودک به صحنه رفته در سالن‌ها است و این کارکرد جدید سالن هنوز برای بسیاری ناشناخته است، اما استقبال مخاطبان عالی بوده و ما نیز از اجرا در این سالن بسیار راضی هستیم. چون برخورد مدیریت سالن نیز بسیار حرفه‌ای و محترمانه بوده است. اولین دغدغه‌ی آن‌ها کیفیت اجرا بود، و از همان ابتدا